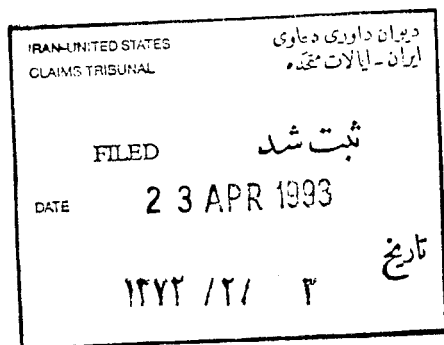
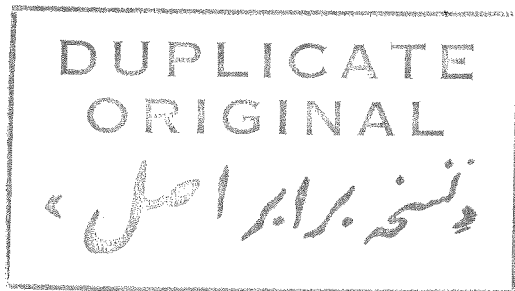


IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

DECISION

Case No. 287

Chamber Two



دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

پرونده شماره ۲۸۷

شعبه دو

تصمیم شماره ۲-۲۸۷-۱۱۴ دی.ا.ئی.سی

فرست اینتراستیت بنک آو کالیفرنیا،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

دولت جمهوری اسلامی ایران،

بانک مرکزی ایران،

بانک ملی ایران،

بانک صنایع،

بانک ایرانیان،

بانک بین‌المللی ایران و ژاپن،

بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران،

بانک ساختمان،

بانک توسعه و سرمایه‌گذاری ایران، و

شرکت پارسلون،

خواندگان.

تصمیم

۱ - در تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۲]، فرست اینتراستیت بانک آو کالیفرنیا ("فرست اینتراستیت") دادخواستی علیه جمهوری اسلامی ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی ایران، بانک ملی ایران، بانک صنایع، بانک ایرانیان، بانک بین‌المللی ایران و ژاپن، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، بانک ساختمان، بانک توسعه و سرمایه‌گذاری ایران، و شرکت پارسلون ("خواندگان") برای وصول اصل و بهره متعلقه و قابل پرداخت بابت تعدادی وام سندیکایی و غیر سندیکایی به ثبت رساند.

۲ - پیرو یک اظهاریه دریافتی از طرفین، دیوان طی دستور مورخ ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۶۲ [۱۵ فوریه ۱۹۸۴] خود، به جریان رسیدگی به بخشهایی از پرونده حاضر که در جدول ۲ ضمیمه ۲ مصالحه نامه مشخص شده بود، خاتمه داد. در نتیجه، تنها ادعاهای مربوط به بهره متعلقه به تعدادی وام سندیکایی، مورد اختلاف باقی ماند. در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۶۴ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۵] دیوان دادرسی پرونده حاضر را تا اطلاع ثانوی متوقف ساخت.

۳ - در تاریخ ششم آذرماه ۱۳۶۴ [۲۷ نوامبر ۱۹۸۵] پرونده دیگری به شماره ۷۵۰ راجع به ادعای مطروح توسط بانک مرکزی علیه فرست اینتراستیت در رابطه با سپرده‌هایی که فرست اینتراستیت به نام بانک مرکزی نگهداری می‌کرد، متعاقب تصمیم هیئت عمومی دیوان در پرونده شماره الف-۱۷، یعنی تصمیم شماره دی ئی سی ۳۷-الف ۱۷-افتی مورخ ۲۸ خردادماه ۱۳۶۴ [۱۸ ژوئن ۱۹۸۵]، چاپ شده در 189 Iran-U.S. C.T.R. 8 مختومه گردید. دیوان ضمن ختم رسیدگی به پرونده شماره ۷۵۰، توجه بانک مرکزی را به بند ۲ دستور مورخ دوم مردادماه ۱۳۶۴ [۲۴ ژوئیه ۱۹۸۵] خود جلب کرد که در آن به طرفین یادآور شده بود که در صورتی که ادعای بانک ایرانی در پرونده شماره ۷۵۰ "به ادعای یک موسسه بانکی ایالات متحده مربوط باشد در آن صورت، طرف آن پرونده دیگر می‌تواند

درخواست کند که در مورد ادعای بانک ایرانی به عنوان ادعای متقابل در آن پرونده دیگر تصمیم گرفته شود. دیوان تا ۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۴ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۶] به بانک مرکزی مهلت داد تا چنین درخواستی را به ثبت رساند.

۴ - در تاریخ سوم دیماه ۱۳۶۴ [۲۴ دسامبر ۱۹۸۵] بانک مرکزی که در شمار خواندگان پرونده حاضر می‌باشد، از دیوان درخواست کرد که بخش‌هایی از ادعای وی در پرونده شماره ۷۵۰ که تا آن زمان فیصله نیافته بود، به عنوان ادعای متقابل در پرونده حاضر مورد رسیدگی قرار گیرد. در تاریخ ۱۹ اسفندماه ۱۳۶۴ [دهم مارس ۱۹۸۶] فرست اینتراستیت به درخواست بانک مرکزی اعتراض و استدلال کرد که بانک مرکزی ادعاهای متقابل را ظرف مهلت‌هایی که دیوان صراحتاً تعیین نموده، صحیحاً مطرح نکرده، و حتی اگر ادعاهای متقابل به موقع اقامه شده بود، باز هم خارج از حیطه صلاحیت دیوان می‌بود.

۵ - دیوان طی دستور مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۶۴ [۱۳ مارس ۱۹۸۶] خود، اعتراض فرست اینتراستیت را خاطر نشان و از بانک مرکزی درخواست کرد که چنانچه مایل به ارائه پاسخ به لایحه فرست اینتراستیت باشد، مراتب را تا ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [دهم مه ۱۹۸۶] ثبت نماید، و یادآور شد که پس از تاریخ مزبور، دیوان بر اساس مدارک موجود نزد خود، در مورد قابلیت پذیرش ادعای متقابل تصمیم خواهد گرفت. در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۵ [۱۲ مه ۱۹۸۶] بانک مرکزی ادعای متقابل خود را ثبت نمود. در تاریخ ۲۱ خردادماه ۱۳۶۵ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۶] فرست اینتراستیت به ادعای متقابل اعتراض و درخواست کرد که اقدام بانک مرکزی به احیای دعاوی خود در پرونده شماره ۷۵۰ مردود اعلام گردد. دیوان طی دستور مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۶۵ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۶] خود، ضمن اشاره به لوایح طرفین در ارتباط با ادعای متقابل بانک مرکزی، یادآور شد که قصد دارد اتخاذ تصمیم درباره قابلیت پذیرش ادعای متقابل را به بعد از رفع تعلیق رسیدگی‌های پرونده حاضر موکول نماید.

۶ - دیوان طی دستور مورخ ششم تیرماه ۱۳۶۹ [۲۷ ژوئن ۱۹۹۰] خود، خاطرنشان نمود که جریان داوری پرونده حاضر کماکان در حالت تعلیق است و از طرفین درخواست کرد که تا تاریخ ۲۴ مردادماه ۱۳۶۹ [۱۵ اوت ۱۹۹۰] وضعیت فعلی پرونده را به اطلاع دیوان برسانند. دیوان همچنین از طرفین درخواست کرد که حدود و ثغور هر اختلافی را در مورد هر گونه ادعا و ادعای متقابل مطروح در این پرونده که احیاناً "بین طرفین باقی است مشخص نمایند. مضافاً از طرفین درخواست شد که معین کنند آیا تعلیق رسیدگی باید ادامه یابد یا خیر و چنانچه پاسخ مثبت باشد، دلایل آن را ذکر نمایند.

۷ - در تاریخ ۲۴ مردادماه ۱۳۶۹ [۱۵ اوت ۱۹۹۰] نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران به دیوان اطلاع داد که موافقتنامه نهایی توسط نمایندگان طرفین امضا شده و به مجرد پرداخت مبلغ مورد توافق، ادعای مطروح در این پرونده فیصله داده خواهد شد. نماینده رابط ایران همچنین اظهار داشت که ادعای متقابل هنوز حل و فصل نشده است. فرست اینتراستیت پاسخ خود را در تاریخ نهم آبان‌ماه ۱۳۶۹ [۳۱ اکتبر ۱۹۹۰] ثبت و طی آن اظهار کرد که طرفین کلیه دعاوی مندرج در دادخواست، و از جمله دعاوی مربوط به بهره متعلقه به وامهای سندیکایی را که به موجب دستور مورخ ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۶۲ [۱۵ فوریه ۱۹۸۴] دیوان رد نشده، حل و فصل کرده‌اند. فرست اینتراستیت همچنین درخواست خود را جهت رد ادعای متقابل تکرار نمود.

۸ - در تاریخ ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۶۹ [دوم نوامبر ۱۹۹۰] دیوان دستوری صادر و طی آن از طرفین درخواست کرد که تا تاریخ ۱۲ دی‌ماه ۱۳۶۹ [دوم ژانویه ۱۹۹۱] به دیوان اطلاع دهند که آیا پرداخت مورد توافق صورت گرفته و ادعای متقابل مورد بحث حل و فصل شده است یا خیر. دیوان همچنین اعلام کرد که "در نظر دارد راجع به ختم دادرسی ادعا به موجب ماده ۳۴ قواعد خود و در مورد قابلیت پذیرش و

جنبه‌های صلاحیتی ادعای متقابل بر اساس مدارک موجود نزد خود اتخاذ تصمیم نماید." فرست اینتراستیت در تاریخ ۳۰ آبان‌ماه ۱۳۶۹ [۲۱ نوامبر ۱۹۹۰] پاسخ داد و تایید نمود که کلیه دعاوی مندرج در دادخواست حل و فصل شده ولی ادعاهای متقابل فیصله نیافته‌اند.

۹ - خوانندگان اظهار نظری درباره دستور دیوان یا اظهاریه فرست اینتراستیت ثبت نکرده‌اند. با توجه به این موضوع و طبق مفاد دستور مورخ ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۶۹ [دوم نوامبر ۱۹۹۰]، دیوان اینک باید تصمیم گیرد که آیا ادعای متقابل در حیطه صلاحیت وی قرار می‌گیرد یا خیر.

۱۰ - بانک مرکزی سه استدلال به صورت تخییری راجع به صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل اقامه می‌کند. اولاً "بانک مزبور اظهار می‌دارد که دیوان بر مبنای اصل تهاتر، نسبت به ادعای متقابل صلاحیت دارد. دیوان متذکر می‌گردد که صرف‌نظر از حقانیت یا عدم حقانیت این اظهار، به هر تقدیر، تهاتر در مورد پرونده حاضر کاربرد ندارد زیرا دعوی تماماً حل و فصل شده است.

۱۱ - بانک مرکزی همچنین استدلال می‌کند که ادعای متقابل وی در پرونده حاضر مبتنی است بر ماده ۲ (ب) سند تعهدات دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران راجع به بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ("سند تعهدات") و مضافاً اینکه ماده ۲ (ب) یاد شده طرح ادعاهای متقابل را به ادعاهای متقابل ناشی از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعا منحصر نکرده است. لیکن در پرونده شماره الف - ۱۷ دیوان نظر داد که:

در مواردی که این قبیل دعاوی، حسب ادعا بر بند ۲ (ب) سند تعهدات مبتنی باشد، دیوان بر این نظر است که نسبت

به آنها فقط احیاناً در مواردی صلاحیت دارد که این قبیل ادعاها، متضمن اختلاف در مورد مبالغ قابل پرداخت از حساب دلاری شماره ۲ بابت دیون قابل پرداخت از محل آن حساب باشد. از متن بند ۲ (ب) پیداست که شروط پرداخت مقرر در آن منحصرأ ناظر است به تعیین تکلیف وجوه تودیعی در آن حساب. بند ۲ (ب) هیچگونه صلاحیتی در مورد "ادعاهای" یک بانک که مبلغی را از بانک دیگر مطالبه می‌کند، قائل نشده، لیکن نسبت به "اختلافاتی" که می‌تواند خواه توسط بانک مرکزی، و خواه توسط موسسه بانکی امریکایی ذیربط، راجع به "مبلغ قابل پرداخت" از حساب دلاری شماره ۲، به دیوان ارجاع شود، صلاحیت محدودی را مقرر نموده است.

صص ۱۴-۱۳ پرونده شماره الف - ۱۷، مذکور در فوق، 8 Iran-U.S. C.T.R. at 197 (با حذف زیرنویس). بانک مرکزی در نامه مورخ نهم مهرماه ۱۳۶۴ [اول اکتبر ۱۹۸۵] خود در پرونده شماره ۷۵۰ اذعان کرد که "هیچیک از ادعاهای [مطروح در دیوان] قابل پرداخت از حساب دلاری شماره ۲ نمی‌باشد." در نتیجه، دیوان طبق مفاد سند تعهدات، نسبت به چنین دعوایی اعم از اینکه به صورت ادعا مطرح شده باشد یا به صورت ادعای متقابل، صلاحیت رسیدگی ندارد و اگر صلاحیتی هم در این مورد موجود باشد، باید آن را در بیانیه حل و فصل دعاوی جستجو نمود.

۱۲ - سومین استدلال بانک مرکزی اینست که ادعای متقابل وی منطبق با شرط بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی است که طبق آن، ادعای متقابل باید "از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعا"ی خواهان ناشی شود. بانک مرکزی مشخص نمی‌کند که "همان قرارداد، معامله یا رویداد" موضوع ادعا و ادعای متقابل چیست، بلکه صرفاً استدلال خود را بر "طبیعت و نوع معاملاتی که بانکها با یکدیگر دارند" مبتنی می‌نماید. دیوان در این عبارت مبنایی برای صلاحیت نمی‌یابد و لذا راساً باید تعیین نماید که آیا ادعای متقابل "از همان قرارداد، معامله یا رویداد" موضوع ادعای فرست اینتراستیت ناشی می‌شود یا خیر.

۱۳ - دیوان ملاحظه می نماید که در پرونده حاضر، فرست اینتراستیت اصل و بهره متعلقه در رابطه با تعدادی موافقتنامه وام سندیکایی و غیر سندیکایی با تعدادی واحدهای ایرانی را از بانک مرکزی مطالبه می نماید، در حالی که ادعای متقابل بانک مرکزی ناشی از وجوهی است که خواهان در حسابهای مختلفی برای موسسات مختلف ایرانی نگهداری می کرده است. بانک مرکزی هیچگونه ارتباط خاصی را بین موافقت نامه هایی که مبنای ادعاهای فرست اینتراستیت را تشکیل می دهد و ترتیبات نگهداری حسابها که ادعای متقابل بانک مرکزی بر آنها مبتنی است، مشخص نکرده است.

۱۴ - در نتیجه، دیوان نظر می دهد که ادعای متقابل بانک مرکزی "از همان قرارداد، معامله یا رویداد" موضوع ادعای فرست اینتراستیت ناشی نمی شود و بنابراین، دیوان طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، نسبت به ادعای متقابل بانک مرکزی صلاحیت رسیدگی ندارد. (۱)

۱۵ - بنابه مراتب پیشگفته،

دیوان به شرح زیر تصمیم می گیرد:

۱ - همچنین بنگرید به: تصمیم شماره دی شی سی ۲-۲۰۲-۸۳ مورخ ۲۸ شهریورماه ۱۳۶۷ [۱۹ سپتامبر ۱۹۸۸] در پرونده فرست نشنال بنک آو باستون و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 307 Iran-U.S. C.T.R. 19.

الف - ادعای متقابل بانک مرکزی به علت فقد صلاحیت رد می شود.

ب - مابقی جریان داوری پرونده حاضر طبق بند ۲ ماده ۳۴ قواعد دیوان خاتمه می یابد.

لا هـ،

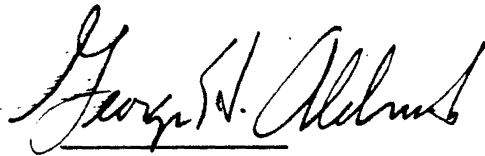
به تاریخ سوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ برابر با ۲۳ آوریل ۱۹۹۳



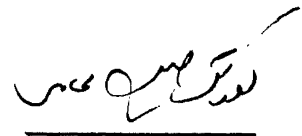
خوزه ماریا رودا

رئیس شعبه دو

به نام خدا



جورج اچ. آلدريج



کورش حسین عاملی

موافق با نتیجه